

به انگیزه سالگرد شروع جنگ خانمانسوز ایران و عراق!

آرش کمانگر

آخرین روز تابستان سالروز آغاز جنگ خانمانسوز و هشت ساله ایران و عراق است. جمهوری اسلامی هرساله به بهانه این رخداد، هفته ای را تحت عنوان «هفته دفاع مقدس» برگزار می کند. آنها در طول مراسم های مختلف مربوط به این هفته، بار دیگر به دفاع از سیاست های خانمان برانداز خویش می پردازند و پیرامون جایگاه رفیع یک میلیون قربانیان جنگ در «بهشت» رجز خوانی می کنند. غافل از اینکه دیگر نه تنها مردم عادی، بلکه شماری از مهره های سابق رژیم نیز ضرورت تداوم آن جنگ ارتجاعی را به زیر سوال برده اند.

همین دو سال پیش بود که گوشه هایی از ارزیابی مردم در برخی روزنامه های طیف دو خرداد از زبان برخی قلمزنان این روزنامه ها نظیر اکبر گنجی جاری شد که از خود ناباورانه سوال می کردند که چرا پس از بازپس گیری خرمشهر در شرایطی که به اعتراف خود حکومتیان، هیاتی از کشورهای عربی با پیشنهادهای مبنی بر پرداخت مبالغ کلانی به عنوان غرامت جنگی به ایران آمده بودند، در همان موقع پایان نیافت؟ سردمداران جمهوری اسلامی در واکنش به این انتقادات، به شدیدترین وجه عکس العمل نشان دادند و به دنبال یک سری بهانه های دیگر، موجی از تعطیلی روزنامه ها و دستگیری روزنامه نگاران به راه انداختند. آنها در جریان آن واکنش های هیستریک فاش کردند که بخاطر تثبیت سیاسی رژیم شان و بویژه ارگان های نظامی و امنیتی و نیز سرکوب هر صدای مخالف به بهانه «دفاع از میهن» عامدانه اقدام به تداوم جنگ تا سال ۶۷ نمودند، جنگی که به راحتی می توانست در همان سال ۶۰ پایان گیرد و سبب این همه خرابی و زیان های وحشتناک جانی و مالی نشود.

خمینی و همپالگی هایش که تصور نمی کردند چنین آسان حاصل مبارزات برحق مردم کشورمان را در جریان انقلاب ۵۷ درو کنندو آن را در ید اختیار کاست روحانیت ببینند، از همان فردای شکل گیری جمهوری اسلامی، تبلیغات و تحریکات خود را مبنی بر «صدور انقلاب اسلامی به خارج» و تشکیل خلافت بزرگ اسلامی آغاز کردند، در نتیجه این تحریکات و عوامل جنبی دیگر بود که در آخرین روز شهریورماه ۱۳۵۹ با حمله هوایی عراق، ناقوس شوم جنگ به صدا درآمد. جنگی که از قبل آن کشورهای امپریالیستی و انحصارات نظامی آنها صدها میلیارد دلار به جیب زدند، جنگی که فقط در ایران صدها هزار کشته، یک میلیون معلول و دهها هزار اسیر به جا گذاشت و ضمن به خطر رساندن خزانه ۲۰۰ میلیارد دلاری کشور، صدها میلیارد دلار به شهرها و روستاها و تاسیسات اقتصادی و زیربنایی ایران خسارت وارد نمود. اما از میان همه این زیان های انسانی اقتصادی، آنچه که بیش از همه قلب هر انسان شرافتمندی را می فشارد، پریپر شدن صدها هزار کودک و جوان آینده ساز کشورمان در طول هشت سال جنگ بود. میلیون ها تن از امیدهای نسل فردا که عمدتاً بین ۱۲ تا ۲۰ سال سن داشتند، در مدارس و محلات و مساجد و رسانه های سمعی و بصری، تحت القائات و تبلیغات شدید مذهبی، شستشوی مغزی شده و به امید رفتن به بهشت و یا دریافت کلید پلاستیکی آن از ملایان مفتخور و ریاکار، روانه میادین مین و جبهه های مرگ گشتند تا همچون یک گوشت دم توپ، راه حکام اسلامی را برای تحقق رویای فتح کربلا و قدس را هموار کنند. آنان در جستجوی بهشت در حالی که ووز مرثیه خوانانی چون «آهنگران» را در گوش داشتند، روانه جبهه ها شدند تا جهنم خون و دود و مرگ را به عینه مشاهده کنند. از این روز در سالگرد آغاز آن جنگ شوم، جا دارد که مردم کشورمان به دادخواهی انبوه قربانیان جنگی، سران رژیم اسلامی را به دلیل جنایت بزرگ تداوم جنگ به مصاف بطلبند و خواستار محاکمه این جنایتکاران جنگی شوند.

سپتامبر ۲۴

جمهوری اسلامی را برای بازگشایی مرزهای ایران و افغانستان تحت فشار قرار دهیم

آرش کمانگر

با بحرانی تر شدن اوضاع بین المللی و خطر وقوع یک جنگ خانمانسوز جدید و مضاعف در افغانستان که طی آن دولت های امپریالیستی به سرکردگی آمریکا - با همکاری نوچه های خود در خاورمیانه - می خواهند به بهانه مبارزه با تروریسم و دستگیری و گوشمالی عاملین فاجعه ۱۱ سپتامبر دست به ویرانی و کشتار جمعی در این کشور فلاکت زده و جنگ زده بزنند، موج جدیدی از آوارگان و پناهنجویان افغانی به سوی مرزهای ایران و پاکستان سرازیر شده اند. گفته می شود که صدها هزار از زنان، کودکان و مردم عادی افغانستان از بیم قربانی شدن در آتش جنگ قریب الوقوع، با رها

کردن خانه، مزارع و اماکن کار خود با وضعیتی اسفناک در پشت مرزهای شرقی ایران و نیز شمال پاکستان اجتماع کرده اند. این انبوه انسان های آواره و محروم ناگزیرند در فضای باز و زیر باران و باد و سرمای شبانه و در محیط به شدت آلوده ای که گرسنگی و بیماری های واگیردار در آن بیداد می کند، «زندگی» کنند. این درحالی است که هم رژیم ایران و هم رژیم پاکستان با استقرار قوای نظامی جدید، اقدام به بستن مرزها نموده اند، بعلاوه کارمندان امداد رسانی سازمان ملل و دیگر نهادهای خارجی نیز از بیم جنگ به حداقل کاهش پیدا کرده اند و امر آذوقه رسانی و ارایه کمک های بهداشتی اولیه به نحو خوف آوری تقلیل یافته است. به همین خاطر تراژدی مهیبی در حال شکل گیری است، تراژدی ای که می تواند جان ده ها هزار انسان بویژه کودکان را بگیرد. چندی پیش کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل گزارش کرده بود که به طور متوسط روزانه چهل نفر در اردوگاه های پناهندگی مستقر در شمال پاکستان بر اثر سوتغذیه و بیماری های مختلف جان خود را از دست می دهند. ناگفته پیداست که با وقوع بحران جدید و گر گرفتن شعله های جنگ به مراتب بر ابعاد این فاجعه افزوده خواهد شد. به همین خاطر همه انسان های آزادیخواه، صلح دوست و بشر دوست جهان وظیفه دارند که در کنار افشای سیاست های میلیتاریستی آمریکا و متحدانش و مخالفت با بروز جنگ، با تمام قوا به یاری پناهجویان افغانی بشتابند. در راستای این کارزار انسانی است که ما و بویژه مردم آزاده داخل ایران وظیفه داریم ضمن دفاع پیگیر از حق پناهندگی برادران و خواهران افغانی خویش، قاطعانه به افشای سیاست های ضد پناهندگی، راسیستی و افغان سیتزانه جمهوری اسلامی ایران بپردازیم و خواستار بازگشایی مرزهای شرقی کشورمان به سوی آوارگان جنگی افغانستان به ویژه زنان و کودکان شویم.

ما البته به خوبی واقفیم که تحمیل این خواست انسانی بر رژیم ولایت فقیه، بدون مبارزه گسترده داخلی و بین المللی امکان پذیر نیست. سران این رژیم در سال های اخیر از طریق وزارت کشور و با تکیه بر قوای نظامی و انتظامی، صدها هزار نفر از پناهندگان افغانی را که سال ها در ایران به کار و زندگی مشغول بودند و حتی بسیاری از آنها در کشورمان به دنیا آمده بودند به کشورشان بازگردانند، آن هم در شرایطی که افغانستان همچنان در آتش فلاکت و جنگ و خونریزی می سوخت.

جمهوری اسلامی از طریق این اخراج ها قصد داشته و دارد که نوک تیز پیکان جنبش کارگران، تهیدستان و بیکاران کشورمان را متوجه زحمتکشان افغانی کند، با این ترفند که عامل بیکاری و فقر را نه در نظام اقتصادی و سیاست های خانمان برانداز رژیم ایران، بلکه در وجود پناهجویان محروم افغانی ببینند. یعنی همان سیاست های راست روانه و راسیستی که در کشورهای غربی علیه پناهجویان جهان سومی از جمله انبوه پناهجویان ایرانی اعمال می شوند. در پاسخ به این گونه سیاست های ضد انسانی، و از جمله انبوه پناهجویان ایرانی اعمال می شوند. در پاسخ به این گونه سیاست های ضد انسانی، و از جمله در پاسخ فوری به تبعات جنگ قریب الوقوع امپریالیست ها، ما وظیفه داریم که با پنج شعار: «۱. قطع بی درنگ تهدیدات جنگی علیه مردم بی دفاع افغانستان ۲. لزوم رسیدگی به پرونده فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر در دادگاه بین المللی رم مربوط به جنایت علیه بشریت ۳. امداد رسانی وسیع و سریع به انبوه آوارگان و پناهجویان افغانی ۴. تحت فشار قرار دادن رژیم های همسایه افغانستان برای گشودن مرزهای خود و بالاخره ۵. به رسمیت شناختن حق پناهندگی افغان ها در سراسر جهان و از جمله ایران، کارزار وسیعی را همدوش با همه انسان ها و نهادهای ترقیخواه جهان به پا کنیم و در برابر مثلث: تروریسم، میلیتاریسم و راسیسم، قاطعانه از صلح، دموکراسی و برابری دفاع نماییم.

۲۵ سپتامبر